



قوانین و مدیریت منابع طبیعی

(رشته منابع طبیعی و محیط زیست)

دکتر محمد رضوانی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست

نه	مقدمه
۱	فصل اول: واکاوی قواعد حقوقی
۱	۱-۱ منابع رسمی
۲	۱-۱-۱ قاعده حقوقی
۳	۱-۱-۲ قانون
۱۱	۱-۱-۳ عرف
۱۲	۱-۱-۴ رویه قضایی
۱۶	۱-۱-۵ نظریه حقوقی
۱۷	۱-۲-۱ مقررات دولتی
۲۱	خودآزمایی
۲۳	فصل دوم: سازمان‌های حقوقی
۲۳	۱-۲ تاریخچه سازمان‌های حقوقی
۲۴	۲-۲ روند ایجاد سازمان‌های اداری حقوقی
۲۴	۱-۲-۲ مرحله قانونی
۲۹	۲-۲-۲ مرحله کارشناسی
۳۰	۳-۲ طبقه‌بندی سازمان‌های حقوقی
۳۰	۱-۳-۲ طبقه‌بندی سازمان‌ها از لحاظ موقعیت جغرافیایی
۳۰	۲-۳-۲ طبقه‌بندی سازمان‌ها از لحاظ وضعیت حقوقی
۳۱	۳-۳-۲ طبقه‌بندی سازمان‌ها به لحاظ ماهیت اجرایی و عملیاتی
۳۲	۴-۳-۲ طبقه‌بندی سازمان‌ها به لحاظ تمرکز اداری
۳۵	خودآزمایی
۳۷	فصل سوم: منابع طبیعی در ایران
۳۷	۱-۳ طبقه‌بندی منابع طبیعی

۴۱	۲-۳ منابع طبیعی ایران
۴۱	۱-۲-۳ جاذبه‌های طبیعی ایران
۴۲	۲-۲-۳ حوضه‌های آبخیز ایران
۴۲	۳-۲-۳ جنگل‌های ایران
۴۵	۴-۲-۳ مراتع ایران
۴۷	۵-۲-۳ بیابان‌های ایران
۴۸	۶-۲-۳ حیات وحش ایران
۵۳	۷-۲-۳ شیلات ایران
۵۴	خودآزمایی
۵۵	فصل چهارم: سازمان‌های مدیریتی منابع طبیعی و جایگاه قانون در آنها
۵۵	۱-۴ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
۵۵	۱-۱-۴ تشکیلات اولیه برای مدیریت جنگل‌ها
۵۶	۲-۱-۴ اولین اداره جنگلبانی در ایران
۵۸	۳-۱-۴ انحلال سازمان جنگلبانی توسط رضاشاه
۵۹	۴-۱-۴ تشکیل دایره جنگل - اداره جنگلبانی
۵۹	۵-۱-۴ تشکیل اداره کل جنگل‌ها
۵۹	۶-۱-۴ تشکیل بنگاه جنگل
۶۰	۷-۱-۴ تشکیل سازمان جنگلبانی
۶۱	۸-۱-۴ تشکیل وزارت منابع طبیعی
۶۲	۹-۱-۴ تشکیل سازمان جنگل‌ها و مراتع
۶۳	۱۰-۱-۴ تشکیل وزارت جهاد کشاورزی
۶۴	۱۱-۱-۴ تشکیل سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
۶۵	۱۲-۱-۴ نمودار تشکیلاتی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
۶۷	۱۳-۱-۴ قوانین و مقررات سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
۷۹	۲-۴ سازمان حفاظت محیط‌زیست
۷۹	۱-۲-۴ تاریخچه
۷۹	۲-۲-۴ اهداف و وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست
۸۱	۳-۲-۴ نمودار تشکیلاتی سازمان حفاظت محیط‌زیست
۸۳	۴-۲-۴ قوانین و مقررات سازمان حفاظت محیط‌زیست
۱۰۳	۳-۴ سازمان شیلات ایران
۱۰۳	۱-۳-۴ تاریخچه
۱۰۶	۲-۳-۴ اهداف و وظایف سازمان شیلات ایران
۱۱۱	۳-۳-۴ نمودار تشکیلاتی سازمان شیلات ایران
۱۱۲	۴-۳-۴ قوانین و مقررات سازمان شیلات ایران
۱۲۳	۴-۴ قوانین و مقررات سازمان شیلات ایران
۱۲۶	خودآزمایی

- فصل پنجم: کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و منابع طبیعی
- ۱-۵ ایجاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی
- ۲-۵ توافق و اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی محیط‌زیستی
- ۳-۵ کنوانسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی
- ۱-۲-۵ کنفرانس جهانی محیط‌زیست (استکهلم - ۱۹۷۲)
- ۲-۲-۵ کنفرانس محیط‌زیست و توسعه: (همایش زمین، ریودوژانیرو - ۱۹۹۲)
- ۳-۳-۵ برنامه محیط‌زیست ملل متحد (۱۹۷۲)
- ۴-۳-۵ اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (۱۹۴۸)
- ۵-۳-۵ کنوانسیون تنوع زیستی (ریودوژانیرو - ۱۹۹۲)
- ۶-۳-۵ کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی (رامسر - ۱۹۷۱)
- ۷-۳-۵ کنوانسیون گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی (واشنگتن - ۱۹۷۳)
- ۸-۳-۵ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (پاریس - ۱۹۷۲)
- ۹-۳-۵ دفتر بین‌المللی تحقیقات پرندگان آبی
- ۱۰-۳-۵ کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی (نیویورک - ۱۹۹۲)
- ۱۱-۳-۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدائی (پاریس - ۱۹۹۴)
- ۱۲-۳-۵ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن (وین - ۱۹۸۵)
- ۱۳-۳-۵ پروتکل مونترال درباره مواد کاهنده لایه ازن (مونترال - ۱۹۸۷)
- ۱۴-۳-۵ کنوانسیون بازل (بازل - ۱۹۸۹)
- ۱۵-۳-۵ کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی (لندن - ۱۹۷۲)
- ۱۶-۳-۵ کنوانسیون بین‌المللی مداخله در دریاهای آزاد (بروکسل - ۱۹۶۹)
- ۱۷-۳-۵ پروتکل مداخله در دریاهای آزاد (لندن - ۱۹۷۳)
- ۱۸-۳-۵ کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی (لندن - ۱۹۸۹)
- ۱۹-۳-۵ کنوانسیون حمایت از محیط‌زیست دریایی (کویت - ۱۹۷۸)
- ۲۰-۳-۵ پروتکل همکاری برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت (کویت - ۱۹۷۸)
- ۲۱-۳-۵ پروتکل آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج (کویت - ۱۹۸۹)
- ۲۲-۳-۵ پروتکل حمایت محیط‌زیست دریایی (کویت - ۱۹۸۹)
- ۲۳-۳-۵ برنامه همکاری‌های زیست‌محیطی کشورهای جنوب آسیا (کلمبو - ۱۹۸۰)
- خودآزمایی

ضمیمه یک: نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران

ضمیمه دو: نحوه تشکیل پرونده حقوقی

منابع

مقدمه

از گذشته وقتی انسان زندگی اجتماعی را آغاز می‌کند برای اینکه زندگی دوام داشته و افراد جامعه از پویایی برخوردار باشند، لازم بود وظایف و منافع افراد تعریف شود. این تعریف در یک فرآیند تاریخی و عموماً هم به صورت تجربی تحقق پیدا کرده است و این چنین رابطه انسان - انسان به وجود می‌آید، به عبارت دیگر در این رابطه حدود وظایف افراد، منافع افراد و موارد دیگر تعریف و تبیین می‌شود. انسان در بستر طبیعت زندگی می‌کند و در یک تعامل همیشگی با طبیعت است به همین دلیل رابطه انسان و طبیعت در یک فرآیند تاریخی تعریف و تبیین می‌گردد. از دغدغه‌های همیشگی انسان این بوده که کی، کجا و چقدر از طبیعت برداشت کند و این نیاز در بستر تاریخ تحول و تطور پیدا کرده و موجب پیدایش ضوابط و مقرراتی شده که مقرر است از سویی منافع انسان و از سویی دیگر منافع طبیعت را فراهم سازد و با رشد و پیشرفت بشر در علوم طبیعی و محیط‌زیست و دانش حقوق، موضوع بین رشته‌ای تحت عنوان قوانین و مدیریت منابع طبیعی پدید آمده که موضوع کتاب حاضر می‌باشد.

فصل اول

واکاوی قواعد حقوقی

اهداف یادگیری

- در پایان فصل، دانشجو با مفاهیم زیر آشنا می‌شود:
۱. تعریف و ویژگی‌های قاعده حقوقی، قانون و عرف؛
 ۲. تعریف و ویژگی‌های رویه قضایی، نظریه حقوقی و مقررات دولتی؛
 ۳. آشنایی با منابع رسمی و غیررسمی قواعد حقوقی.

۱-۱ منابع رسمی

مهمترین منابع رسمی برای حقوق عبارتند از: قاعده حقوقی، قانون، عرف، رویه قضایی، نظریه حقوقی و مقررات دولتی. در ادامه با هر یک از این منابع آشنا خواهید شد.

۱-۱-۱ قاعده حقوقی

جهت آشنایی با قاعده حقوقی، ابتدا به تبیین حقوق در زبان فارسی پرداخته شده است و در ادامه با قاعده حقوقی و ویژگی‌های آن آشنا خواهید شد.

حقوق در زبان فارسی:

۱. قواعد و مقرراتی که بر یک جامعه حکومت می‌کند^۱.

۲. امتیازاتی^۱ که قانون برای حفظ نظم و برپایی دادگری برای پاره‌ای از مردم می‌شناسد.

۳. علم حقوق^۲ و تحقیقات وابسته به آن.

۴. دستمزد ماهانه^۳ و مانند آن، که کارمندان دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولت دریافت می‌کنند. معمولاً به دستمزدهای روزانه و یا هفتگی کارگران و یا فوق‌العاده دریافتی کارمندان دولت حقوق می‌گویند. مزد و دستمزد، اجرت، کارکرد، مستمری (بیشتر در مورد از کارافتادگان و بازنشستگان) اصطلاحاتی است که برای غیر از کارمندان دولتی به کار می‌رود.

۵. پولی است که دولت برای ثبت اسناد رسمی و مانند آن می‌گیرد. حق تمبر، عوارض و حقوق گمرکی^۴.

۶. نظام قضایی^۵، بافت دادرسی یک ملت، یک کشور، فرهنگ و جامعه را حقوق می‌گویند. هنگامی که گفته می‌شود حقوق اسلام، حقوق رم، حقوق ایرانی، منظور ما نظام دادرسی و شیوه حقوقی و بافت قضایی امت مسلمان، فرهنگ رم و جامعه ایران است. بدین گونه بافت دادرسی یک کشور شامل مجموعه قواعد و سازمان‌های حقوقی و اصول قضایی آن کشور است که آرمان‌های فلسفی و اجتماعی ساختمان آن را در خود جای داده است.

۷. تکالیف^۶ و وظایف معنوی و اخلاقی مانند حقوق پدر و مادر و یا شاگرد و معلم و حقوق همسایگان.

۸. حقوق به معنای قوانین یک رشته یا موضوع خاص (برنز^۷، ۲۰۰۰: ۲۸-۲۶).

منظور از قاعده حقوقی، قاعده‌ای است الزام‌آور که جهت ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. برای یک قاعده حقوقی ویژگی‌های گوناگونی برشمرده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از:

1. Right
2. law /jurisprudence
3. salary
4. duties
5. Justice system
6. obligation
7. Burns

۱. قاعده حقوقی الزام آور است.
۲. رعایت قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین شده است.
۳. قاعده حقوقی کلی و عمومی است.
۴. هدف قاعده حقوقی تنظیم روابط اجتماعی است.

۱-۱-۲ قانون

در ابتدا با واژه‌شناسی قانون آشنا می‌شوید. واژه‌ی قانون از کانون یونانی گرفته شده است و از ره گذر زبان سریانی به زبان عربی راه یافته است و با تغییر حرف «ک» به «ق» به چهره‌ی «قانون» درآمده است. زبان‌های پارسی و ترکی (ایران و ترکیه) و سپس اردو (شبه قاره) نیز واژه‌ی قانون را با همان مفهوم و اصطلاح به کار گرفته‌اند. قانون، در اصل، به معنای خط‌کش و معیار اندازه‌گیری به کار می‌رفته که بعدها، مفهوم قاعده و رسم و روش نیز از آن گرفته‌اند. واژه‌ی کانون گاهی به معنای شیوه، روش و قاعده نیز آمده است. جای پژوهش در این باره که آیا قانون از ریشه‌ی پارسی است هنوز باز است (کروین^۱، ۱۹۵۵: ۶).

برای قانون تعاریف متعددی وجود دارد، که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. هنگامی که از قانون به عنوان منبع حقوق، سخن به میان می‌آید منظور همان چیزی است که در برابر عرف قرار می‌گیرد. قانون اساسی و قانون مدنی ما تعریفی از قانون به دست نمی‌دهد.

۲. قانون بیان اراده‌ی دولت‌هاست که یک قاعده‌ی حقوقی قابل اجرا در میان مردم از آن ناشی می‌شود. با این همه، باید گفت که هر بیان تحکمی و همگی دستورهایی که دولت‌ها صادر می‌کنند قانون نیست. بیشتر قواعد حقوقی، مستقیماً از یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعی‌اند صادر می‌شود و قانون را می‌سازد. با نگاهی به آنچه گفته شد، قانون، در مفهوم گسترده‌ی خود، دلالت بر هر قاعده‌ی حقوقی دارد که با نگارش و تدوین شکل می‌گیرد و در یک زمان معین به وسیله‌ی یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعی‌اند انتشار می‌یابد. واژه‌ی قانون در دیگر دانش‌ها مانند علوم طبیعی، علوم انسانی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، تاریخ، اقتصاد سیاسی و

جامعه‌شناسی نیز به کار می‌رود. این دانش‌ها در بررسی و مشاهده‌ی پدیده‌ها، قوانین را می‌سازند. شرایط ضروری که این پدیده‌ها را تعیین می‌کند، قانون خوانده می‌شود. به گفته‌ی منتسکیو، روابط ضروری که از ماهیت اشیا ناشی می‌شود قانون نام دارد. قانون به مفهوم علمی خود مانند قانون جاذبه یا به معنای قاعده‌ی حقوقی مانند قانون آزادی مطبوعات یک نقطه‌ی مشترک دارد و صفت اجباری و الزامی آن برای هر فرد است (ساکت، ۱۳۷۰: ۸۲-۶۵).

از ویژگی‌های قانون می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- **عمومیت و تعمیم:** قواعد حقوقی در یک زمان معین و در یک جامعه معین بر کلیه افراد به طور یکسان اجرا می‌گردد. به عبارت دیگر قانون به عنوان یک قاعده حقوقی که همه یا عده‌ای از افراد جامعه را در برمی‌گیرد و درباره آنها یکسان اجرا می‌شود.
- **الزام:** به طور کلی قانون پس از تصویب و انتشار واحد، یک نیروی الزامی و اجباری تحت عنوان ضمانت اجرای قانون است که همگان بایستی از آن پیروی کنند.
- **پایندگی و دوام:** قانون ذاتاً دائمی بوده و دچار مرور ایام نمی‌شود مگر اینکه خودش به لحاظ زمانی پیش‌بینی کرده و طول عمر خودش را مشخص کند.
- **از یک مرجع و قدرت اجتماعی ناشی شود:** قانون بایستی از سوی یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعی هستند صادر شود. قانون تنها قاعده‌ای است که از سوی قدرت عمومی صادر می‌شود و قدرت عمومی هم توانایی وضع قانون را دارد (شلنز^۱، ۱۹۵۹: ۲۹).

در یک طبقه‌بندی، قوانین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) قانون اساسی؛

ب) قانون عادی؛

ج) احکام، آیین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های دولتی.

الف) قانون اساسی: قانون اساسی عبارت است از مجموعه قواعد حقوقی

خاص که یک گروه مؤسس برای تنظیم قدرت در نظام صادر می‌کند تا هدف معینی را تأمین کند. به طور کلی، قانون اساسی ساختار و بنیاد یک کشور و ملت است و در آن اندیشه یک حکومت قانونمند و هدفمند مدنظر قرار می‌گیرد. در بیشتر حکومت‌ها به

واکای قواعد حقوقی ۵

خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها، به پیمانی که رابطه بین آنها و ملت است برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائل هستند و آنها را ممتاز و برتر از سایر قوانین می‌دانند. در این رابطه، تاریخچه تدوین قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران توضیح داده می‌شود:

تا سال ۱۲۸۵ حکومت در ایران به روش ابتدایی اداره می‌شد و تمام اختیارات قضایی در دست شاه بود. در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ در نتیجه یک قیام ملی یک تحول و دگردیسی در حکومت ایران به وجود آمد و در این رابطه حکومت ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه مبدل شد. در این تاریخ قانون اساسی با این اصل تشکیل و در سال بعد ۱۰۷ اصل دیگر برای کامل کردن اصل مشروطیت به آن اضافه گردید که به عنوان متمم قانون اساسی شناخته و تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اجرا می‌شدند. در سال ۱۳۵۷ در نتیجه وقوع انقلاب، دگرگونی دیگری در شکل حکومت به وجود می‌آید و سلطنت سقوط می‌کند و در دوازده فروردین ۱۳۵۸ با رأی ۹۸٫۲ درصد واجدین شرایط، جمهوری اسلامی به وجود می‌آید. در نهایت در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ۹۹ درصد آرا به تصویب ملت می‌رسد. در سال ۱۳۶۸ در یک همه پرسی، بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب می‌شود. به گونه‌ای که قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل تدوین شد و معیار و ضابطه اعتبار یا عدم اعتبار قوانین عادی و آیین نامه‌ها و مصوبات دولتی محسوب می‌شود.

ب) قانون عادی: در مرحله پایین‌تر از قانون اساسی قرار گرفته است و اعتبار یا عدم اعتبار آن با قانون اساسی سنجیده می‌شود. شامل:

۱. **مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی:** مصوبه‌های مجلس پس از تأیید شورای نگهبان مطابق با قانون اساسی و احکام شرعی و امضاء رئیس‌جمهور بر طبق اصول ۵۸، ۹۴ و ۱۲۳ قانون اساسی تصویب می‌گردد.

۲. **همه‌پرسی یا مراجعه به آراء عمومی:** مواردی که از رهگذر همه‌پرسی یا مراجعه به آراء عمومی به تصویب می‌رسند و نهایتاً به امضاء رئیس‌جمهور طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی می‌رسد.

۳. **مصوبه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام:** برابر اصل ۱۱۲ قانون اساسی،

به عنوان یک قانون عادی به کار می رود.

وضع قانون عادی مصوب مجلس شامل مراحل زیر می باشد:

- **تهیه، تنظیم و انشاء قانون:** در این رابطه قانون پیشنهادی بر اساس الگوی قانون نویسی شامل کلیات، متن اصلی و... در قالب مواد جداگانه، بند و تبصره و پیش بینی جرایم و مجازات ها و محدودیت ها، تشویق ها و پاداش ها، مکانیسم های حقوقی، نحوه و زمان تهیه آیین نامه اجرایی و... تهیه، تنظیم و انشاء می شود.

- **پیشنهاد قانون:** پیشنهاد قانون توسط حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس (طرح قانونی) و یا توسط دولت (لایحه قانونی) انجام می گیرد.

- **تصویب قانون:** تصویب قانون در صحن مجلس و با اکثریت نسبی نمایندگان انجام می گیرد.

- **تأیید قانون:** تأیید قانون توسط شورای نگهبان قانون اساسی انجام می شود. شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر می باشد که ۶ نفر آنها فقیه بوده و توسط رهبری انتخاب می شوند و ۶ نفر حقوقدان هستند که به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تأیید مجلس شورای اسلامی انتخاب می شوند. شورای نگهبان مصوبات مجلس را با احکام شرع و اصول قانون اساسی تطبیق می دهند، تطابق مصوبات مجلس با احکام شرع با فقهای شورای نگهبان و تطابق با اصول قانون اساسی با فقها و حقوقدانان خواهد بود. در صورت عدم انطباق با هریک از احکام شرع و یا اصول قانون اساسی، مصوبه جهت تأمین نظر شورای نگهبان به مجلس بازگشت داده خواهد شد. مجلس شورای اسلامی در صورت اعمال اصلاحات و تغییرات مورد نظر شورای نگهبان، مصوبه تغییر یافته را مجدداً به شورای نگهبان می فرستد اما در صورت اصرار مجلس بر مصوبه و عدم پذیرش تغییرات مورد نظر شورای نگهبان، مصوبه از طرف مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده خواهد شد. مجمع تشخیص مصلحت نظام بین مجلس و شورای نگهبان حکمیت خواهد کرد. تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام قاطع بوده و از دو طرف لازم الاتباع می باشد.

- **امضا قانون:** بر طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، رئیس جمهور باید قانون تصویبی مجلس شورای اسلامی و نتیجه بررسی را امضاء کند. در واقع مصوبه های مجلس و نتیجه همه پرسی پس از امضاء رئیس جمهور نام قانون را به خود می گیرد. رئیس جمهور

پس از امضاء قانون آن را برای اجرا به مراجع ذی ربط ابلاغ می کند. در صورت استتکاف رئیس جمهور از امضاء قانون، معاون اول ایشان بایستی مبادرت به امضاء قانون نماید و در غیر این صورت، رئیس مجلس شورای اسلامی قانون را امضاء خواهد نمود.

• **انتشار رسمی قانون:** قانون باید انتشار یابد و به آگاهی همگان برسد تا هر کسی وظیفه و تکلیف خود را بداند. تصویب قانون به وسیله مجلس هیچ گونه الزامی برای افراد به وجود نمی آورد. پس از آنکه قانون انتشار یافت، اطاعت از آن بر همگان الزام می شود. انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید. قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای زمان اجرا مقرر شده باشد. روزنامه رسمی در آغاز از سازمان های وابسته به مجلس شورای ملی بود ولی در قانون بودجه ۱۳۳۸ چاپ و نشر، به وزارت دادگستری واگذار گردیده است.

ج) **مقررات دولتی (احکام، آیین نامه ها و نظامنامه های دولتی):** مجموع قواعدی است که به حکم صریح یا ضمنی قانون گذار و یا به اعتبار اختیار ناشی از مسئولیت اداری توسط مقامات (به غیر از قوه مقننه) وضع می شود. علاوه بر سه مورد بالا دو نوع قانون زیر نیز در بعضی از تقسیم بندی ها منظور می شوند:

• **قوانین آزمایشی:** چون تصویب قانون در مجلس به درازا می کشد و گاهی حفظ مصالح کشور ایجاب می کند که با شتاب بیشتر و دور از تشریفات، قوانینی به تصویب برسد. اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیون های داخلی مجلس این اختیار را تفویض کرده است تا در موارد ضروری با رعایت اصل ۷۲ قانون اساسی (دوگانه نبودن قوانین با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی) قوانینی را به تصویب برسانند تا به صورت آزمایشی برای مدتی اجرا شود. از کاربرد واژه ی موارد ضروری در اصل ۸۵ قانون اساسی چنین برداشت می شود که این تفویض اختیار یک استثناست و برای هر مورد پیش پا افتاده و ساده ای نمی توان از آن بهره گرفت و تنها برای مدتی که تعیین می شود معتبر خواهد بود. در عمل، قوانین آزمایشی چندان کامیاب از آب درنیامده است و با نگرش به شتاب به کار رفته در تصویب آنها، در مرحله ی اجرا

دشواری‌های فراوانی پدید آورده است.

• **عهدنامه‌ها:** در پیوندهای بین‌المللی، عهدنامه‌ها در حکم قانون است. گذشته از آنکه عهدنامه‌ها در روابط دولت‌ها مؤثر است، از نظر قواعد حقوق خصوصی نیز مهم است. ماده‌ی ۹ قانون مدنی ایران می‌گوید: مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

برای آن که عهدنامه حکم قانون پیدا کند و دادگاه‌ها بتوانند بدان استناد و مفاد آنها را رعایت کنند باید از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی اظهار شود و مجلس نیز آن را تنفیذ کند، همگی قراردادهای، مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز همین‌گونه است (اصل ۷۷ ق.ا.).

قراردادهایی که کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا منعقد می‌سازند نیز برای کشورهای امضاءکننده در حکم قانون است و برابر ماده‌ی ۱۷۷ قرارداد رم، در دادگاه دادگستری کشورهای اروپایی قابل اجراست و دادگاه‌های داخلی هر دولت عضو می‌توانند قرارداد رم را مورد تفسیر قرار دهند.

در تقسیم‌بندی دیگری، قانون به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

- **عام:** همه‌ی افرادی را دربرگیرد که قانون برای آنان وضع شده است.
- **خاص:** همه‌ی افراد را دربرنمی‌گیرد و تنها برخی از آنان را می‌پوشاند.
- **مخصص:** مخصص دلیلی است که پاره‌ای از افراد عام را از آن حکم قانونی بیرون و مستثنا می‌سازد (هاکونسن^۱، ۱۹۹۶: ۶۵).

پس حکم عام مصادیق فراوان و متعددی در جهان خارج دارد ولی مصادیق حکم خاص محدود و یا ناظر به موضوع معینی است. برای نمونه اگر حکمی ناظر به کارمندان دولت و دیگری به استادان دانشگاه باشد حکم نخست عام و حکم دوم خاص و علت این حکم مخصص تخصیص دهنده نام دارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱۱۲-۱۰۰).

• **زمان اجرای قانون:** قانون در روزنامه‌ی رسمی، قانون در سراسر کشور قابل اجراست. ماده‌ی ۲ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۸ آذر ۱۳۴۹ در این‌باره می‌گوید: قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراست، مگر آنکه در خود

قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرای مقرر شده باشد. برابر این ماده، قانون‌گذار می‌تواند ترتیب و روش دیگری برای انتشار و مهلت اجرای آن در نظر بگیرد و در چارچوب تشریفات خاصی نماند. برای نمونه، قوهی مقننه می‌تواند چند ماه پس از تصویب یک قانون آن را قابل اجرا بداند، یا اجرای آن را به گذشته نیز سرایت دهد (مادهی ۴ قانون مدنی) و یا اجرای فوری قانون را مقرر دارد (قسمت اخیر مادهی ۱۲ اصلاحی قانون مدنی). برای ایرانیان خارج از کشور مهلت اجرای قانون همین ۱۵ روز پس از انتشار است، مگر آن که فرد زیان دیده از قانون جدید بتواند اثبات کند که به علت‌های خاص سیاسی یا ارتباطی از انتشار قانون بی‌اطلاع مانده است.

در رابطه با قانون مبحث جهل به قانون، وجود دارد. به این معنی که پس از انتشار قانون، همگان از آن آگاهند و روزنامه‌ی رسمی را خوانده‌اند. اما به واقع همه افراد روزنامه رسمی کشور را مطالعه نمی‌کنند، با این همه، این اصل جاری است که جهل به قانون رفع تکلیف نمی‌کند یا جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. با همه‌ی اینها، قانون مدنی ایران در موارد خاص جهل به قانون را پذیرفته است (مادهی ۱۱۳۱ ق.م). پذیرفتن جهل به قانون از سوی جاهل به آن، دور شدن از اصل عدالت است ولی با نگرش به ثبات و نظم جامعه اصلی قابل اجرا است. با این همه، مواردی هست که نسبت به این قاعده استثنا دانسته می‌شود. برای نمونه، زن و مردی که از موانع ازدواج در قانون اطلاعی ندارند با هم زناشویی می‌کند. قانون رابطه‌ی زوجیت را درست می‌داند و به اصطلاح نزدیکی به شبهه می‌شمارد. فرزندان این پدر و مادر مشروع و قانونی به حساب می‌آیند و ارث می‌برند. اگر به هر علت وجود قوهی قاهره (حوادث طبیعی، جنگ و اشغال نظامی) مردم منطقه‌ای از قانون بی‌اطلاع بمانند ادعای جهل به قانون آنان را باید پذیرفت زیرا جهل همگانی به قانون بسی مهم و شایان توجه است. بی‌گمان، کسی که مدعی جهل به قانون است باید دلیل ارائه دهد (ساکت، ۱۳۷۱: ۱۰۲-۹۴).

واژه‌ی نسخ در زبان عربی به سه معنای نقل (از چیزی رونویسی کردن) ازاله (از میان بردن) و ابطال (بر باد دادن، بیهودن ساختن) کاربرد پیدا کرده است. در اصطلاح حقوقی، نسخ یعنی از میان بردن یا الغای یک قانون یا قاعده‌ی حقوقی پیشین با تصویب قانونی از سوی قوهی مقننه یا قانون اساسی (مجلس خبرگان) و یا به‌وسیله‌ی

عرف و عادت. نسخ بر دو گونه است: صریح (آشکارا) و ضمنی (غیرمستقیم). نسخ صریح آن است که قانون‌گذار آشکارا و بدون ابهام نسخ قانون پیشین را اعلام می‌کند. برای نمونه، ماده‌ی ۷۸۹ آیین دادرسی مدنی می‌گوید: قوانین زیر منسوخ است و آنگاه، ۱۵ قانون را با آوردن ماده و عنوان آن نسخ کرده است. در نسخ ضمنی، قانون پس از تصویب و انتشار با قانون یا قوانین پیشین متفاوت است و با آن قابل جمع نیست. قانون گذشته (سابق) خود به خود از اعتبار می‌افتد و منسوخ می‌شود زیرا فرض بر آن است که قانون‌گذار با وضع قانون تازه مصالح اجتماع را در پیش چشم داشته است. گاهی در نسخ ضمنی برای تأکید بیشتر این عبارت می‌آید، کلیه‌ی قوانینی که مخالف این قانون است نسخ می‌شود یا ملغی است. در نسخ صریح، گاهی قانون‌گذار احکام تازه‌ای جانشین احکام گذشته می‌کند و گاهی نیز بدون وضع احکام تازه، احکام گذشته را منسوخ اعلام می‌دارد. طبقه‌بندی قوانین در نسخ رعایت می‌شود. قانون عادی نمی‌تواند نسخ قانون اساسی باشد و هیچ‌گاه قانون عادی به‌وسیله‌ی تصویب‌نامه و آیین‌نامه نسخ نمی‌شود.

نسخ قانون، نسخ آیین‌نامه‌های آن است. اگر قانونی نسخ شود و قانون دیگری به جای آن نیاید، آیین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های قانون سابق نیز منسوخ است. اگر پس از نسخ یک قانون، قانون تازه‌ای جانشین آن شود دو حالت پیش می‌آید: یا سراسر آیین‌نامه با قانون جدید متفاوت است که منسوخ می‌شود و یا بخشی از آن آیین‌نامه با قانون جدید مخالف است که در این صورت همان بخش مخالف منسوخ است و بقیه آیین‌نامه پابرجاست.

قلمرو قانون جدید و قدیم در نسخ ضمنی یکسان نیست یعنی یا هر دو عام است و یا هر دو خاص و یا یکی عام و دیگری خاص است. اگر هر دو قانون جدید و سابق عام یا خاص باشد قانون قدیم منسوخ است. اگر قانون سابق خاص و قانون جدید عام باشد قانون سابق به اعتبار خود پابرجاست زیرا عام نسخ خاص نیست و در نگاه قانون‌گذار، خاص بودن یک قانون و حکم یعنی استثنایی که قانون‌گذار قائل شده است و این استثنا برای مصالح اجتماع بوده است. ولی اگر قانون قدیم عام و قانون جدید خاص باشد، قانون جدید قانون قدیم را نسخ می‌کند زیرا، خاص مخصص عام است.

۱-۱-۳ عرف

عرف در زبان عربی به معنای شناخت، شناخته و نیکوست. در اصطلاح، عرف رسم و عاداتی است که افراد در پیوندهای میان خویش آن را پذیرفته‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، عرف یا شیوه‌های قومی اصطلاحاتی است که عموماً برای راه و رسم‌های مخصوص و ضابطه یافته‌ی انجام چیزهایی به کار می‌رود که در میان کسانی که در یک فرهنگ خاص سهیمند مشترک است. این اصطلاح، برای یک کنش اجتماعی کوچک نیز به کار می‌رود و در مفهوم گسترده و پیچیده‌ی آن شامل یک رشته رویدادهایی مانند گفتار، جشن‌ها و مراسم و نمایش‌ها می‌شود. در اصطلاح حقوقی عرف قاعده‌ای است که مستقیماً از مردم سرچشمه می‌گیرد و فراگیر و پایاست و به وسیله‌ی نیروی رسمی مقام صالح الزامی دانسته شده است. بدین گونه، تنها رسم و عاداتی که صفت الزام و نیروی اجباری دارد یک قاعده‌ی حقوقی به شمار می‌آید.

در زبان حقوقی، عرف به مفهوم گسترده‌ی واژه به همگی وقایع و اعمالی گفته می‌شود که در یک محیط اجتماعی، بدون دخالت قانون‌گذار به چهره‌ی یک قاعده‌ی حقوقی درمی‌آید. در این مفهوم، عرف با حقوق وضع نشده و نانوشته، که شامل همه منابع حقوق به جز قانون می‌شود مترادف است. بدین سان، عرف نه تنها عادت و رسوم، بلکه رویه‌ی قضایی و نظریه‌ی علمای حقوق را هم در بر می‌گیرد. عرف به معنای خاص شامل عادت و رسم حقوقی الزام‌آور است.

عرف را به عرف عام یا همگانی، عرف محلی و عرف خاص رده‌بندی کرده‌اند. «عرف عام» آن است که در یک کشور رایج است و قانون آن کشور می‌گردد و وجودش باید به وسیله‌ی دادگاه معین شود. عرف عام در پیوند با رسوم تجارتی و بازرگانی و کسب و کار عرفی است که در همه‌ی قضایا و به وسیله‌ی همه‌ی اشخاص در همان تجارت و سوداگری و در همان سرزمین پیروی می‌شود و چنان از دیر باز پابرجا شده است که همگان از آن آگاهند و فرض بر آن است که همه‌ی اشخاص در هر فرصتی که بیابند آن را به کار می‌بندند.

«عرف محلی» آن است که تنها در یک منطقه‌ی خاص یا در یک کشور، شهر و یا روستا رایج است. «عرف خاص» تا اندازه‌ای همانند عرف محلی است و تنها در میان ساکنان منطقه‌ای خاص جاری است. به عرف خاص و عرف محلی، عرف مخصوص